

سیاست های نظامی موسی بن نصیر در آفریقا و اندلس در دوره ولید بن عبدالملک

لیلا نریمان فرد

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات - ایران

Leila.naremanfard2014@gmail.com

امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

amirteymour_rafiiei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۰

چکیده

جریان شکل گیری تمدن اسلامی در شمال آفریقا و اسپانیا با فتح این مناطق توسط فاتحان عرب (طی قرن هفتم و هشتم) آغاز شد فتح سرزمین های آفریقای شمالی و اندلس، از رخداد های مهم تاریخ قرن اول هجری است که سبب آمیزش و اتصال اروپا، آفریقا و آسیا در طی هشتصد سال گردید و انتقال فرهنگ اسلامی از آن مستفاد شد؛ در این میان نباید نقش «موسی بن نصیر» و درایت وی و فرمانده اش (طارق بن زیاد) را نادیده گرفت. وی جزو باکیاست ترین فرماندهان مسلمان قرن نخست هجری بود. هر چند در روند این فتوحات شرایطی فراهم گردید که نتیجه فتوحات را به نفع موسی بن نصیر پایان بخشید؛ از جمله شرایط حاکم بر آفریقا و اروپا و پشتیبانی خلیفه اموی از موسی و همچنین انگیزه مادی سربازان مسلمان را نباید نادیده گرفت. در این مقاله بر آنیم گسترش مرزهای اسلام در آن سوی آنها و نقش مقتدرانه موسی بن نصیر را بررسی نماییم. بدین منظور با روش پژوهش کتابخانه ای بررسی و مراحل کار به صورت طرح مقدماتی اولیه، شناسایی و گردآوری منابع و فیش برداری به این امر نائل خواهیم شد.

واژگان کلیدی: موسی بن نصیر، ولید بن عبدالملک، طارق بن زیاد، آفریقا، اندلس

فتوحات مسلمانان با هدف گسترش اسلام در خارج از مرزهای عربستان در عصر خلفای راشدین آغاز و در دوره های بعد با تغییر هدف فتوحات، این روند ادامه یافت. پس از درگذشت «عبدالملک بن مروان» در سال ۸۶ هجری در دمشق، ولید جانشین وی گشت. دوره خلافت ولید از ۸۶ تا ۹۶ هجری بود که دوره فتح و گشایش بود و قلمرو دولت اموی از شرق و غرب وسعت گرفت و زندگانی مسلمانان بهبود یافت. ولید در نتیجه آرامشی که در دوران وی حکمفرما بود، توانست دنباله فتوحاتی را که به دوران خلیفگان سابق انجام یافته بود بگیرد و قلمرو وی از طرف شرق و غرب وسعت یافت. در زمان ولید سه نفر شهرت یافتند و تلاش آنها در فتوحات مسلمانان مؤثر افتاد. «قتیبه بن مسلم باهلی»، «محمد بن قاسم ثقفی» و «موسی بن نصیر». ولید اول از نتایج زحمات پدرش برخوردار شد. نیروی نظامی، بسیار گسترش یافته بود، وسعت امپراتوری اموی به اوج خود رسیده بود و خلیفه قدرت آن یافته بود که به عظمت و شکوه امپراتوری بپردازد. برای آنکه خلیفه همه نقشه های خود را عملی کند پول کافی در اختیار داشت؛ چه سیاست مالی پدرش با دوراندیشی همراه بود، و درآمدها به علت مسخر شدن سرزمین های تازه افزایش یافته و سوریه و مصر از برکت آرامش و آسایش آباد شده بود. از طرف دیگر در ایالت شرقی درآمدها رو به کاهش می رفت. در سیر فتوحات در غرب مسلمانان در سال ۸۶ هجری/۷۰۵م تا کرانه های اقیانوس اطلس پیش رفتند که در این پیشروی فرماندهی ایشان با موسی بن نصیر فرماندار افریقیه بود. وی نخستین فردی بود که تا اروپا پیش رفت و موسس نخستین حکومت اسلامی در آنجا بود که به مدت هشتصد سال تداوم یافت.

شناخت موسی بن نصیر

«موسی بن نصیر بن عبدالرحمان بن زید» ملقب به عبدالرحمان در سال ۱۹ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در شمال حجاز متولد گردد. (شکیب،:۳۹) دوروتی لوار، وی را ساراسن می نامد و ساراسن را از عرب هایی می داند که از نواحی شرقی یعنی یمن، به عربستان و سوریه آمده

اند؛(دوروتی، ۱۳۴۴: ۳۸) وی از قبیله «بکر بن وایل» بود که قبل از ظهور اسلام در غرب فرات می زیستند و قبیله اش در حمله به سرزمینهای فارس تأثیر به سزایی داشتند. در دوره خلافت ابوبکر قبیله اش در صف جهاد قرار گرفتند و در این میان موسی بن نصیر فعال تر از دیگر افراد خاندانش بود.(ابن عذاری، ۱۴۰۰: ۲۹) وی از تابعان و راویان حدیث بود و از تمیم الداری، صحابی معروف پیامبر حدیث نقل نموده و یزید بن مسروق نیز از او حدیث نقل نموده است.(خسروی، ۱۳۸۱: ۵۵) پدر نصیر از مسیحیانی بود که بوسیله سپاهیان مسلمان اسیر شد و سپس مسلمان گردید(طبری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۵۷ و ابن خلدون ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۸) و در زمان معاویه ریاست اداره پولیس را دارا بوده ولی در جنگ صفین از مخالفت با حضرت علی(ع) امتناع ورزید و حاضر نشد که جنگ کند با این حال معاویه که از لیاقت و کفایت وی آگاهی داشت این حرکت وی را نادیده گرفت.(امیر علی، ۱۳۶۶: ۱۱۲) با مسلمان شدن پدر، نصیر نیز بدست خالد اسیر گردید. اما خالد وی را نزد خود نگاهداشت و به تربیت و آموزش موسی پرداخت. پس از آزادی از اسارت، موسی به شام بازگشت.(بلاذری، ۱۴۰۴: ۳۵۳). از آغاز زندگی موسی اطلاعات زیادی در دست نیست و تنها میدانیم دوران کودکی را در دمشق سپری نمود و سپس به مانند پدر به خدمت دستگاه اموی در آمد و پس از تأسیس کارخانه کشتی سازی در تونس در چند حمله دریایی شرکت نمود تا قبرس نیز پیش رفته است.(خسروی، ۱۳۸۱: ۵۵) در دوره معاویه موسی در سن سی سالگی به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین زمان با روشهای نظامی آشنایی یافت.(العدوی: ۱۹) موسی پس از معاویه تا روی کار آمدن مروان در دستگاه اموی حضوری نداشت.

از آغاز زندگی موسی اطلاعات زیادی در دست نیست و تنها میدانیم دوران کودکی را در دمشق سپری نمود و سپس به مانند پدر به خدمت دستگاه اموی در آمد. در چند حمله دریایی شرکت نمود تا قبرس نیز پیش رفته است (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۷: ۳۳۱) در دوره معاویه موسی در سن سی سالگی به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین زمان با روشهای نظامی آشنایی یافت.(احمد العدوی: ۱۹) موسی پس از معاویه تا روی کار آمدن مروان در دستگاه اموی حضوری نداشت.. در سال ۷۷ از سوی عبدالملک والی آفریقا شد.(یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۲۸) وی را رقیب طارق و حتی گاه

آن دو را سخت ترین دشمنان هم معرفی می کنند. (لودر، ۱۳۴۴) موسی بن نصیر در سال ۸۹ هجری از سوی «ولید بن عبدالملک» به حکمرانی کل آفریقا (تونس) منصوب گشت و «طارق بن زیاد» که مولای اوی بود را همراهش نمود. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۳۹) یک نفر از سه نفری که در دوره ولید بن عبدالملک در فتوحات مسلمین موثر بودند موسی بن نصیر بود. موسی به دلیل لیاقت اداری - نظامی که داشت توانست بعدها حوزه ای به قلمروی خود اضافه کند که به تنهایی یک امپراطوری محسوب میشد. (امیر علی، ۱۳۶۶: ۱۱۳) وی به حکمت، استواری رأی، حسن تدبیر معروف بود. (نعنعی، ۱۳۸۶: ۵۳) ابن خلکان می نویسد: وی مردی خردمند کریم النفس، شجاع و پرهیزگار بود. هنگام حمله به دشمنان آفریقا هفتاد ساله بود ولی همت جوانان را داشت و شعله های آن در وی فروزان مانده و چیزی از آن نکاسته بود. (همان: ۳۹) وی از مقتدرترین و باهوش ترین مردان مسلمان جنگ و سیاست در قرن اول هجری بود.

ولایت موسی بن نصیر در بصره

موسی پس از سنین رشد مدتی به مصر رفت و در خدمت برادر خلیفه «عبدالملک بن مروان» (عبدالعزیز) که والی مصر بود، در آمد. موسی توانست اعتماد وی را کسب و نزد او صاحب مرتبت شود؛ هنگامی که عبدالملک بن مروان میخواست برادر خود بشر را والی عراق کند به علت جوان بودن بشر تصمیم گرفت تا شخصی را به عنوان مشاور با وی همراه سازد. در این زمان به برادر خود عبدالعزیز در مصر بود نامه نوشت که من برادرت بشر را والی بصره قرار داده ام، بشر نیاز به فردی آگاه به امور مالی و اداری دارد، پس موسی را با وی همراه ساز تا وزیر و مشاور وی باشد و دیوان عراق را بدو بسپار و وی را آگاه ساز که در هر پیشامدی مسؤل هموست. (ممتحن، ۱۳۶۱: ۲۲۴) عبدالعزیز سخن برادر را پذیرفت و موسی را مشاور و وزیر امور مالی بصره ساخت. بشر از مصر وارد بصره شد در حالیکه موسی همراه وی بود و تا بر منصب حکومت بصره نشست همه

۱- مولی به غیر اعرابی اطلاق میشد که با ورود به قلمرو اسلامی و پیمان بستن با قبایل عرب در شمار آنان در می آمدند، هرچند اعراب به مساوات با آنان رفتار نمیکردند و در طول تاریخ جریان هایی را شکل دادند.

زیدان، جرجی، ۱۳۶۹، تاریخ تمدن اسلام، انتشارات امیر کبیر، تهران ص ۲۲۷،

۲- دو نفر دیگر قتیبه بن مسلم باهلی و محمد بن قاسم ثقفی بودند.

کارها را به دست موسی سپرد و خود کنار کشید و موسی تنها مسوول امور مالی و دیوانی بصره گردید. موسی همواره امین بشر بود تا زمانیکه وی از دنیا رفت و «حجاج بن یوسف ثقفی» به جای او روی کار آمد و چون در سال ۷۵ هجری حجاج به امارت عراق رسید، موسی را به اختلاس و عدم امانت داری متهم کرد. (عنان، ج ۱، ۱۳۶۶: ۲۱) در این زمان عبدالعزیز با اموال و خراج مصر به شام رفته بود و با همان اموال نیز به کمک موسی شتافت. موسی که از ترس حجاج به شام گریخته بود به کمک عبدالعزیز هزار دینار به خلیفه پرداخت کرد تا از جان وی در گذرد در حقیقت اگر شفاعت عبدالعزیز نبود، حجاج موسی را کشته بود. (ممتحن، ۱۳۸۱: ۲۲۵) موسی پس از آن به همراه عبدالعزیز به مصر رفت و در همان جا ساکن گشت و در نزد وی باقی ماند و با احترام زیست. پناه دادن موسی نزد عبدالعزیز نقطه عطفی در زندگی سیاسی وی محسوب می‌گشت. چرا که در آن زمان بر اثر حوادثی والی افریقا، حسان بن نعمان از سمت خود برکنار شد و موسی به درخواست عبدالعزیز جانشین والی افریقا گشت. موسی در این زمان فرصت به نمایش گذاشتن توانمندی های نظامی خود را یافت. (فصل نامه تاریخ نو، ۱۳۹۳، شماره ۸ ص ۳۰)

ولایت موسی بن نصیر در شمال آفریقا

پیش از موسی بن نصیر حکومت آفریقا در سال ۶۹ هجری در دست «حسان بن نعمان» بود؛ حسان در مغرب در مقابل نفوذ رومی ها، دفع شر بربرهای ساکن و قتل یکی از کاهنان زن (هولت، ۱۳۷۸: ۳۸، ۳۸) آن منطقه که قدرت بسیار داشت خدمات شایانی نمود اما با این وجود، دشمنان وی نزد خلیفه اموی و برادر وی عبدالعزیز عامل اموی در مصر بدگویی نموده و شایع نمودند که حسان قصد استقلال طلبی دارد. (مراکشی، ۱۹۸۳: ۳۰) همین بدگویی و ایجاد بدبینی کافی بود تا عبدالعزیز

۱-۳ دکتر حسین مونس که از پژوهشگران موثق است می گوید: به نظر می رسد که صفات حسان او را به اختلاف با عبدالعزیز بن مروان عامل ولید بن عبدالملک در مصر و داشت... همواره به حسان فشار می آورد و پافشاری می کرد تا اینکه او را تهدید کرد و کار را برایش ناممکن ساخت لذا این مرد توانا در اوایل سال ۸۶ هجری در حالی که مغرب به شدت به او نیاز داشت از کار کناره گیری کرد.

فرمان امارت حسان رُا باطل و به جای وی موسی بن نصیر را جانشین گرداند. (فجرالاندلس ص ۴۶). هرچند زمانیکه عبدالعزیز وابسته خود، موسی را برای سرپرستی فتوحات در مغرب انتخاب کرد، خلیفه در توانایی وی برای اجرای این مسئولیت به وی خوشبین نبود و حتی این نکته در مکاتباتش با عبدالعزیز انعکاس یافت. اما عبدالعزیز برادر خود را در این زمینه مطمئن ساخت. با اصرار عبدالعزیز بر جانشینی موسی بجای حسان، خلیفه این امر را پذیرفت. (ابن اثیر، ۲۲: ۱۳۶۶) به این ترتیب عبدالعزیز در سال ۷۹ هجری یکی از نزدیکترین مردان خود، موسی بن نصیر را والی افریقیه نمود. (نعنعی: ۴۶، و ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۳۶۲) موسی نیز به واسطه یک رشته عملیات جنگی دلیرانه و جرأت و جسارتی که از خود و پسرانش بروز کرد نیروهای متحد برابر را در هم شکست، یونانیان را به کلی بیرون راند و سراسر کشور را امن و آرام گرداند. (امیرعلی، ۱۳۶۶: ۱۱۲)

تدبیر موسی بن نصیر

در دوره عبدالعزیز بن مروان، موسی بن نصیر متوجه مصر شد و آنجا را مهمترین پایگاه فتوحات در شمال آفریقا می دانست که حضور جنگجویان عرب در مصر نیز بر امتیاز آن می افزود. پس از مشورت با این گروه نظامی و بررسی نبرد های قبلی بر آن بود تا بهترین و آسان ترین راه پیروزی بر ممالک دیگر شمال آفریقا را بدست آورد. همین گفتگوها آغازگر زمینه حملات عربی به شمال

۲- حکومت حسان بن نعمان غسانی در آفریقا و آغاز ولایت موسی بن نصیر را پیچیدگی شگفتی فرا گرفته است. اساساً ترتیب زمانی حوادث متضاد و متناقض سبب شده نتوان سیمای روشنی از حوادث را ترسیم نمود. ابن عذاری نیز به این مطلب اشاره نموده است. نعنعی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، ص ۴۶ اگر فرض کنیم که ولید بن عبدالملک بی درنگ پس از روی کار آمدن خود و کناره گیری حسان بن نعمان، موسی بن نصیر را والی افریقیه کرده است این بدان معنی است که ۳ تا ۵ سال پس از وفات عبدالملک بن مروان افریقیه بدون والی بوده است. اگر این فرض درست باشد گفته ابن اثیر را تفسیر خواهد کرد که میگوید: «پس از حرکت حسان، قبایل برابر در این منطقه طمع کرد. الکامل فی تاریخ، عزالدین، ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، انتشارات علمی تهران، ج ۴، ص ۵۳۹»

آفریقا گشت و نتیجه غور موسی در حملات قبلی به شمال آفریقا در این خلاصه می شد که سیاست اعراب بر پایه خارج کردن شمال آفریقا از یوغ رومی ها و تحت نفوذ خود در آوردن و دوم رومیان نیز می کوشیدند تا تسلط خود بر شمال آفریقا را حفظ کنند و در برابر حملات عربی- اسلامی مقاومت کنند. (فصل نامه سخن تاریخ، ۱۳۹۳، سال هشتم، شماره ۲۰، ص ۵۵) موسی برای جلوگیری از اشتباه پیشینیان، تدبیر خود را برای جنگجویان ترسیم نمود؛ به این ترتیب با ایجاد امنیت از نفوذ رومیان پیشگیری نمود. (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۲۳۹ ج ۲) همچنین از یقیه را که شامل تونس، طرابلس، الجزایر، و قسطنطنیه بود به عنوان پایگاه خود برگزید؛ بدلیل آنکه این مکان مقر نظامی رومیان و کلید پیروزی شمال آفریقا به شمار می رفت. (احمد الوری: ۶۴)

شرایط اسپانیا مقارن موسی بن نصیر

هنگامیکه آفریقا تحت حکومت اسلامی از نعمت آزادی عقیده و عدل و داد برخوردار بود و مراحل ترقیات اساسی را سریع می پیمود در این هنگام اسپانیا همسایه وی، زیر پره های مظالم گوت ها خرد و نابود می شد. در این دوره اشخاص متمول، اشرافی طبقات ممتاز از دادن مالیات و سایر عوارض دولتی معاف بودند و از این رو طبقات متوسط که تمام بارهای کشور فقط تحمیل بر آنها بوده رو به خرابی و پریشانی نهادند. فعالیت مربوط به پیشه و هنر به واسطه گرفتن عوارض و مالیات های زیاد و کمرشکن یکسره معدوم گردیده و تجارت و صنعت به کلی از کشور رخت بریست و از طرف دیگر نازایی و بی حاصلی سرتاسر آن کشور را فراگرفت. کشاورزان و غلامان همیشه طوق بندگی به گردن داشتند. زارع و غلام مالک چیزی نبوده و هر گونه اختیاری را فاقد بوده و بی اجازه مالک قدمی نمی توانستند بردارند حتی بدون اجازه و رضایت ارباب، حق ازدواج را نداشتند از سویی حالات روحی و اخلاقی آنان نظیر مادیات آنها در نهایت درجه انحطاط و خرابی بوده است. یهودیان که عده بسیاری از آنان در آن شبه جزیره مسکن داشتند همیشه مورد تعقیب و آزار و اذیت سلاطین و کشیشان و نیز اشراف بودند. اینان منتظر منجی نجات بخشی بودند. توضیح آنکه ایالت مسلمین در طرف دیگر تنگه به نظر این مردمی که گرفتار ظلم وجود سلاطین گوتیک روسای مذهبی بودند آسمان امنیت و آرامش شمرده می شده است و لذا عده

زیادی از آنها از این مظالم طاقت فرسا از خاک اسپانیا فرار کرده به استان مسلمانان یعنی به آفریقا پناهنده شده بودند. در این زمان که آفریقا به دست موسی اداره می شد، سلطنت اسپانیا بدست رودریک بود. این فرد «وی تیزا» پادشاه سابق را مخلوع و مقتول نموده بود و خود صاحب تاج و تخت شده بود. «ژولین» فرماندار بر اثر یک حرکت خلاف بی رحمانه ای که از رودریک نسبت به او درباره دخترش فلوریندا رسیده بود ناچار ملحق به سایر فراریان اسپانیا گردیده و از موسی درخواست نمود که آن کشور را از چنگال ظالمانه پادشاه غاصبش نجات بخشد. (امیر علی، ۱۳۶۶:

(۱۱۵)

برخورد موسی با بومیان محلی

فاتحان اسپانیا زمین های زراعی این منطقه را بین طوایف عرب و بربر تقسیم می کردند. این عمل سبب بروز کشمکش بین طوایف مختلف مسلمانان در اسپانیا گردید. در همان نخستین دهه سلطه مسلمانان بر اسپانیا طوایف بربر این منطقه، که زمین های کوهستانی و کم محصول به آنها واگذار شده بود علیه فرمانداران عرب خود دست به شورش زدند؛ هر چند این شورش ها توسط عرب هایی که از سوریه گسیل شده بودند سرکوب گردید. همچنین مهاجرت عرب ها به اسپانیا عامل بسیار موثری در عربیزه و اسلامیزه نمودن مردم اسپانیا بود. مردم بومی این منطقه با عنوان موالی یا برده ویا مزدور به خدمت در می آمدند و همچنین گاهی با خانواده محلی ازدواج برقرار می شد. (لاپیدوس، ۱۳۹۴: ۵۳۹) موسی بن نصیر پس از آن به مصر، ولایت خود بازگشت با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام پیوسته است. با اینکه وی با بربرهای مخالف خود بسیار شدت عمل به خرج داد و بدون رحمت و شفقت آنان را کشت و ده ها هزار نفر از آنان را به اسارت گرفت. اما مسیر انتشار اسلام در میان بربرها باقی ماند. هبیدالله بن صالح مورخ، تأکید

^۵- موسی، عیاش بن اخیل رابه عنوان نماینده خود به مغرب فرستاد و چون عیاش شاگرد موسی بود، عملکرد وی باعث شد اهل آن قبایل، جزو حامیان موسی شده و بعد از آنکه موسی به آنجا رسید از آنان پیمان گرفت تا به تعهدات خود پایبند باشند. همین مساله نقش اساسی در ترویج فرهنگ اسلامی ایفا کرد و موجب شد بسیاری از مردم آن منطقه به

اسلام گرایش یابند. ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بدرقه جاویدان، ج ۲، ص ۱۳۸۶، ۱۴۵.

می کند که پیش از اقدام برای فتح اندلس همه بربرها به درستی مسلمان شده بودند. (نعنعی: ۴۸) سیاست موسی بن نصیر در قبال بربر یک طرف دیگر هم داشت که بیشتر انسانی و مودت آمیز بود؛ او با کسانی که مسلمان شدند بر پایه مسالمت و همکاری متقابل عمل می نمود. (همان، ص ۴۸، امیر علی، ۱۳۶۶ و داعی گیلانی، ص ۱۱۲) موسی با این گروه به انصاف و محبت رفتار نمود و بین آنان و اعراب به مساوات عمل نمود، از آنان به عنوان نیروی نظامی استفاده کرد در مقابل اخلاص وی، آنان نیز اخلاص ورزیدند و در قبال دوستی اش دوستی نمودند. (مونس، ۱۳۷۶: ۱۰۸) عملکرد موسی در افریقه سبب شد وی به امیر قیروان معروف شود. (اجیوسی، ۱۳۸۰: ۵۳)

موسی بن نصیر در اندلس

وقتی موسی بن نصیر به قیروان رسید دو کار بزرگ در برابر خود دید که می بایست انجام دهد تا سرزمین های شمال آفریقا عملاً در قلمرو دولت اسلامی درآید. او می بایست ابتدا مناطقی از مغرب ادنی و اوسط را که فتح نشده بود خصوصاً مناطق اطراف آن را که قبایل بربر در آنجا پناه گرفته بودند و هنوز پرچم مقاومت در برابر اسلام و دولت آنرا برافراشته بودند، فتح می کرد و در مرحله بعد مغرب افقی که هر چند «عقبه بن نافع» با عبور از آن تا ساحل اقیانوس اطلس رفت اما بربرهای آن جا هنوز در برابر حکومت مسلمانان تسلیم نبودند فتح می نمود. نخستین کار موسی پس از رسیدن به قیروان این بود که سپاهی به منطقه زعوان در نزدیکی قیروان اعزام کند. این سپاه منطقه مذکور را فتح و شمار بسیاری از ساکنان بربر در آنجا را اسیر کرد و فرمانده آنان «ورقطان» نیز دستگیر شد. (ابن خلکان، ۱۳۸۱: ۳۲۳ و ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۲)

موسی بن نصیر پس از آن به مصر بازگشت، با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام، پیوسته است. به دلیل عملکرد موسی با ساکنان شمال آفریقا وی موفق شد پایه های دولت

۲- اندلس به شبه جزیره ایبری اطلاق میشود که شامل اسپانیا و پرتغال است. در روایات عربی اندلس به اسپانیای مسلمانان اطلاق میشود، که سرزمین های

که پس از فتح به دست مسلمانان افتاد را اندلس نامیدند و و عده ای نیز نام این مکان را به نام اولین ساکن این منطقه که اندولش نام داشتند مرتبط میدانند.

مقری، احمد بن محمد، نفخ الطیب، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ص ۶۷

اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه های اطلس و انتهای صحرای بزرگ آفریقا تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه ای از سیطره مسلمانان خارج نماند. پیروزی مسلمانان در نشر اسلام در روزگار موسی بن نصیر در مغرب اقصی و نزدیکی به بربرها و عرب ساختن آنها گام های موثری در مسیری طولانی به سوی شبه جزیره ایبری و برپایی دولت عرب اسلام در جنوب قاره اروپا پس از ناتوانی خلفای دمشق از تحقق چنین درستی در کرانه های بسفر. (نعنعی: ۴۹) او با مساعدت و یاری آنان موفق شد پایه های دولت اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه های اطلس و انتهای صحرای بزرگ آفریقا تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه ای از سیطره مسلمانان خارج نماند، جز شهر سبته، لکه یک نفر مسیحی از گوتهها و شاید از رومیان بیزانسی به نام یولیان بر آنجا فرمانروایی می کرد و با قدرت و عناد در مقابل مسلمانان ایستاد. موسی پس از آن برای تسلیم عاصیان و معارضان قبایل همراه زناته و کتامه حرکت کرد و بر آنان تاخت و شماری از آنان را کشت و شماری را به اسارت گرفت و آنگاه که از وی امان خواستند با آنان صلح کرد و عده ای از گزیدگان خود را برای انجام صلح نزد او به گروگان گذاشتند. (دینوری، ۲۹۱، ۱۳۸۱ و ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۴)

موسی برای اداره این سرزمین مولای خود «طارق بن زیاد» را بر طنجه و حوالی آن ولایت داد و سپاهی متشکل از هفده هزار عرب و دوازده هزار بربر که مسلمان شده بودند همراه او نمود؛ او به طوری خاص به اعراب مأموریت داد که به مردم این منطقه قرآن و فقه و دین بیاموزند. (فتح العرب للمغرب ۲ / ۲۲۴) این مردم اساساً با اسلام به عنوان یک دین و عقیده بیگانه نبودند. زیرا «عقبه بن نافع» شماری از فقها را در میان آنها باقی گذاشت تا قرآن و اسلام را به آنها بیاموزند. (دینوری، ۱۳۸۱: ۲۹۱) بعد از تسلط عقبه بن نافع بر مسیله و دستیابی به اقلیم حاصلخیز زاب مسلمانان عملاً وارد منازل قبایل بربر شدند که مشهورترین آنان «لواته» و «هواره» بود تسلط یافتند. (طقوش، ۱۳۹۱: ۸۱) چهار نفر از پسران عقبه بن نافع همراه موسی بن نصیر بودند. موسی آنان را با سپاهسانی

برای فتح منطقه «سجومه» فرستاده بود اعزام کرد تا اهالی بربر ساکن آن جا را، تسلیم کنند. (دینوری، ۱۳۶۴: ۲۹) موسی دست پسران عقبه را در میان آنان بازگذاشت تا انتقام خون پدرشان را از آنان که در شکست عقبه بن نافع شرکت داشتند بگیرند. علاوه بر آن هدف دیگر موسی آن بود که این منطقه دروازه ورود به اسپانیا و طنجه بود و نتیجه نبرد، شکست و تسلیم اهالی سجومه و اسارت هزاران نفر از آنان و اسارت خانواده «کسیله بن لمزم» بود. موسی بن نصیر برای انجام مأموریت بزرگ یعنی به تسلیم درآوردن و فتح مغرب و وادار کردن این سرزمین به منطقه نفوذ مسلمانان سپاه فراوانی تشکیل داد اما بربرهای آنجا که اخبار برخورد مسلمانان با بربرهای مغرب ادنی و اوسط و نیز آزار و اذیت و اسارت دهها هزار نفر از آنان را شنیده بودند، فرار کردند. موسی با سپاهیان خود به آنان رسید و پس از نبرد، شمار بسیاری را کشت؛ تا اینکه از او امان خواستند و تسلیم شدند. با سرعتی شگفت آور که شاید یکی از علل آن خشونت بسیار بود. مغرب افقی تسلیم اسلام گشت و مردم بربر در برابر دین و دولت اسلام رام و فرمانبردار شدند. پسران عقبه ششصد نفر را از میان اسرا بدون توجیه شرعی و بدون قصد انتقام شخصی و شاید برای ترساندن بربرها کشتند تا تضمینی برای تداوم فرمانبرداری آنان از مسلمانان باشد. (ابن اثیر، ج ۴: ۱۴۴)

موسی در اسپانیا

ضعف سلطنت ویسیگوتیک و بی‌اعتنایی جمعیت ستم‌دیده اسپانیایی - رومی طعمه ای راحت و آسان را در اختیار اعراب گذارد که به تازگی در دیگر سوی تنگه های جبل الطارق استقرار یافته بودند. موسی بن نصیر که به گونه ای پیروزمندانه مراکش را ساخته بود، به همراه نایب خود طارق بن زیاد فرماندار طنجه و با مشارکت کنت ژولیان اسطوره ای معروف به فاتحان خوش اقبال اسپانیا

۱- اهمیت سجومه از آن جهت بود که این شهر محل تمرکز قومی از بربر به سرپرستی شخصی بنام کسیله بن لمزم بود که این شخص در سال ۶۴ هجری به کمک سپاهیان رومی موفق شده بود تا در جنگ نهوده سردار بزرگی چون عقبه بن نافع را شکست دهد و پس از قتل وی ناحیه قیروان را تحت سلطه خویش در آورد؛
۲- کشوری در جنوب غربی اروپا که همواره با سرزمین پرتغال شبه جزیره ایبری را تشکیل میدهد این ناحیه در طول تاریخ به تصرف اقوام مختلفی درآمده است از جمله: ایبر، سلت، لیگور، کارتاژ و بالاخره رومیان که در قرن دوم میلادی در این ناحیه استیلا یافتند و نام اسپانیا را بر این منطقه اطلاق دادند. ممتحن، ۱۳۴۹، ۲۴۸

تبدیل شدند؛ ورود اولین نیروهای مسلمان به اسپانیا حرکت یک نیروی چهارصد نفری به رهبری طریف که خود یک بربر بود، آغاز شد. (مونتگو، ۱۳۵۹: ۱۲) هنوز جای پای مسلمانان در آفریقا محکم نشده بود که به فکر عبور از تنگه جبل الطارق در بین آفریقا و اروپا افتادند. این واقعه در سال ۷۱۰ میلادی روی داد. با حکمرانی موسی بر آفریقا، اسپانیا همزمان تحت فرمان «ویزیگوت» و حکمرانی «رودریک» بود. عرب ها در نیمه دوم قرن هفتم میلادی برای فتح اسپانیا اقدام کردند و به دوران امپراطور کت، و مبا، که حکومتش از ۶۷۲ تا ۲۸۰م بود به سواحل اسپانیا حمله بردند. عربها از مدتها پیش به انتظار فرصتی برای فتح اسپانیا بودند و عواملی به این امر کمک کرد، از جمله اشتیاق یولیان به دولت آل غطیسه که سبب همکاری وی با موسی بن نصیر شد. این حقیقت مسلم است که موسی بن نصیر در سال ۷۱۰ م / ۹۱ هجری با تصور سلطه کامل بر مغرب به فکر حمله به اسپانیا افتاد. (هولت، ۱۳۸۳: ۱۱۰۳) موسی بن نصیر این منطقه را چنین توصیف می کند: آسمان و زمینش به زیبایی سوریه، آب و هوایش مانند یمن، گلها و عطرهاى دل انگیزش مانند هندوستان، میوه هایش چون مصر و فلز گرانبهایش مانند چین. اسپانیا شهری بزرگ و پر جمعیت داشت که با عمران و آبادی خود می درخشید و به همان نسبت مردم آن در فساد و تباهی فرو رفته بودند؛ از این رو اگر چنین کشوری هر چند هم در ظاهر بزرگ باشد بدست عده کمی از مردم متدین و پر شور که معتقد بودند خداوند آنها را برای هدایت بشر فرستاده است و در ضمن غنائم جنگی نیز آنها را به جنگ می کشانید سقوط کند، نباید تعجب کرد. مسلمانان این جهاد را موجب افزایش تعداد مسلمین و تضمینی برای فتوحات خود می دانستند. مسلمانانی که در اندیشه آخرت نبودند نیز اسپانیا را کشوری پر نعمت برای خویش یافتند. به همین جهت فتح اسپانیا مقصد دنیا و آخرت مسلمانان را تأمین می کرد؛ در این اثنا موسی بن نصیر بلاد مغرب را بگشود و تنها شهر «سبته» که کلید فتح اسپانیا بود هنوز فتح نشده بود. در پایان سال ۷۰۹ م امپراطور «ویتی کا» که بعد از «اژیکا» به حکومت اسپانیا رسیده بود معزول شد و در اوایل سال ۷۱۰ آشیلایا به جایش نشست. عربها «ویتی کا» را غیطشه می نامند. آشیلایا دیری نپایید و در بهار همان سال به دست بزرگان و پیشوایان مذهبی

معزول شد و «رودریک» فرمانده سپاه گت که عربها او را لذریق نامیده اند بجای وی انتخاب شد. او آخرین پادشاه گت بود که در اسپانیا حکومت کرد. کنت ژولیان حاکم شهر سبته^۱ که با رودریک دشمنی داشت با حزب آشیلا، یار شد تا از دست رودریک خلاص شود، سپس از موسی بن نصیر کمک خواست او نیز فرصت را برای حمله به اندلس مناسب دید و با عبدالملک در این باب مشورت کرد. ولید در آغاز مردد بود عاقبت بدو اجازه داد، اما گفت که احتیاط کند مبادا ژولیان در صدد فریب مسلمانان باشد. (حتی : ۳۵۴) موسی به کمک ژولیان به مرزهای جنوبی اندلس حمله برد و با غنایم فراوان بازگشت خبر پیروزی طریف سبب شد موسی تشجیع شود و سپاهی مرکب از هفت هزار نفر که بیشترشان بربران بودند به فرماندهی طارق بن زیاد حاکم طنجه برای تسخیر اندلس بفرستد. طارق به کمک کشتی های حاکم سبته نزدیک صخره ای بنام جبل الطارق در ساحل اسپانیا پهلو گرفت^۲ طارق در سال ۹۲ هجری با کشتیهای ژولیان از دریا گذشت و در جنوب اسپانیا فرود آمد، در این هنگام «رودریک» سرگرم فرو نشانیدن انقلابی بود که آشیلا و طرفدارانش در شمال پدید آورده بودند. وقتی از هجوم عرب آگاه شد، خطر را دریافت و برای نجات کشور خویش با شتاب تمام، سپاهی نزدیک به صد هزار نفر فراهم آورد، اگر این سپاه نظم کامل و روحیه خوب داشت سپاه طارق را از میان بر می داشت. (بلاذری،، ۱۳۳۷: ۳۳۳ و همدانی، ج ۲، ۱۳۹۲: ۱۲۶۸)

ناگفته نماند که طارق به دلیل آنکه صادق با اخلاق شجاع و دارای حسن رفتار با سربازان بربر بود، مقرب و مورد اعتماد موسی بن نصیر قرار گرفت و فرماندهی نخستین حمله جدی اسلام به اسپانیا به او واگذار شد. بزرگترین اعجاز مسلمانان در فتح مغرب، به وقوع پیوست. به ناگاه مقاومت بربرها در هم شکست و حاکمیت سیاسی مسلمانان استقرار یافت و دین با سرعتی خارق العاده اشاعه پیدا کرد. این تغییر اوضاع با نام موسی بن نصیر ربط می یابد و این وسوسه پیش می آید که او را فاتح حقیقی شمال آفریقا بپنداریم. در واقع جای تعجب است که چرا وقایع نگاران عرب از

^۱ شهر سبته یا سوتا بندری است در مغرب اسپانیا در کنار تنگه جبل الطارق

او اطلاعات بسیار اندکی می دهند ممکن است به این علت باشد که وقایع نگاران معاصر شرح و تفصیل ماجراجوییهای او را گستاخانه پنداشته اند.

پیروزی طارق در کنار وادی بکه

موسی پنج هزار نیرو به کمک طارق بن زیاد فرستاد. طارق در کنار وادی بکه در سال ۹۲ هجری / ۷۱۱ م با سپاه رودریک روبرو شد و هشت روز نبرد ادامه داشت ؛ در جنگی که رخ داد طارق پیروز شد. از جمله عامل پیروزی وی آن بود که دو پسر غبطشه و یارانش در اثنای جنگ به عربها پیوستند، به علاوه ژولیان بسیاری از سپاهیان «رودریک» را به سوی خود جلب و در سپاه وی نفاق و تفرقه انداخت. این پیروزی درهای شبه جزیره لیبریا را به رویشان گشود چنانکه پس از آن هرگز مجبور نشدند در فتوحات خود پا به معرکه ای چنین مهم بگذارند. شمار بسیاری از نیروهای گوت در میدان جنگ بر زمین افتادند و لزریق ناپدید شد. (ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۳۵۷) در این پیروزی مسلمانان، شماری از نیروهای خود را از دست دادند شماری به اسارت گرفته شدند؛ اما آنچه مهم بود آنکه روحیه مسلمانان بالا رفت و نقاط ضعف در نیروهای نظامی اسپانیا را شناختند. (نعنعی، ۱۳۸۶: ۵۷) پس از پیروزی مسلمانان در بکه امکانات عظیم و سریعی برای یاری طارق بن زیاد و پشتیبانی از حمله او در سرزمین مغرب به راه افتاد. موسی بن نصیر که به فتوحات طارق رشک برد و از نافرمانی او به خشم آمده بود در الجیراس مستقر شد و به همراه هجده هزار تن از سربازان خود، بعد از تسخیر «مدنیا سیدونیای»، «کارمونا» و «الکالادوگرادرا» بدون هیچ مشکلی سویل را، به تصرف خود درآورد. او تنها در مقابل استحکامات مریدا که هواداران اصلی شاه رودریک در آن اجتماع کرده بودند، مجبور شد شش ماه را در محاصره بگذراند. به محض آنکه این شهر تسلیم شد، موسی راه «تولدو» را در پیش گرفت و با طارق ملاقات کرد و با تحقیر و تمسخر این سردار نامی، گنجینه های متعلق به سلسله ویسگوتیک را از وی تحویل گرفت. موسی بن نصیر درصدد بود تا از طریق «ساراگوسا» به «لریدا» یورش برد. اما خلیفه اموی ولید، به وی فرمان داد همراه طارق در دمشق حاضر شده و در مورد فتوحاتش توضیح دهد. (هولت، ۱۳۸۳: ۱۳۶۰) نخستین پیروزی مسلمانان توسط طریف با چهارصد نفر سرباز پیاده و صدنفرسواره بربر در شبه جزیره کوچکی که

آخرین بخش جنوب غربی اروپاست حاصل شد این امر در سال رجب ۹۲ هجری / ۷۱۱ م تحقق یافت. (نعنعی، ۱۳۸۶: ۵۳) طریف مولای موسی بن نصیر ولایتدار امویان در شمال آفریقا بود. و این شبه جزیره تاکنون نیز به نام طریف (تاریغا) در جغرافیای اروپا باقی مانده است. (لوبون: ۲۲۳) موسی بن نصیر با تجربه که از همکاری با بربرها داشت عده ای از آنها را تا طریفه پیش برد و هر جا دست به حمله می زد با مقاومت سختی مواجه نمی گردید. موسی بن نصیر هم، چون وضع را بدین گونه دید عزم خود را برای پیشروی بیشتر جزم کرد و در سال بعد نیروی تازه مرکب از دوازده هزار جنگجو را که اکثر آنها بربر بودند تحت فرماندهی طارق بن زیاد مأمور نمود که در خاک اسپانیا پیشروی کنند. طارق بن زیاد با این سپاه اندک کلیه لشکریان ویزیگوت را شکست داد. سر پادشاه آنها رودریک را برید و برای خلیفه به دمشق فرستاد. طارق پس از این فیروزی به تسخیر شهرهای اسپانیا پرداخت و بر اشبلیه و قرطبه، طلیطله استیلا یافت. گت ها این شهرها را خالی کرده بودند و تنها یهودیان در آن مقیم بودند که طارق آنان را در انجام مراسم دینیشان آزادشان گذاشت.

منابع عربی بیان می کنند که غریزه انسانیت و حسادت موسی بن نصیر در مقابل دستاورد موسی و فرمانده زبردستش طارق و پیروزی های وی که ابعاد آن از امیال و آرزوهای مسلمانان در گذشته تحریک شد. با وجود آن، ما بعید می دانیم که موسی بن نصیر چنین واکنشی در قبال فرمانده زبردست خود انجام داده یا به او حسد ورزیده باشد. زیرا طارق از طرف والی مغرب می جنگید بنام او پیروز می شد و فتح کرد و به هنگام سختی ها و شداید به او مراجعه کرد. از اینها گذشته همواره با موسی در ارتباط بود و خبر هر پیروزی را به او می داد و تا آنجا که امکان داشت با وی مشورت می کرد و پس از پیروزی متوجه او شد. خواه این روایات درست باشد یا نه. موسی بن نصیر از ترس این که مبدا نیروهای اسپانیا برای انتقام از شکست خود بازگردند و شاید در صورت صحت روایات مورخان به منظور رقابت و هم چشمی با طارق در فتوحات به سرعت نیروی قدرتمندی برای پشتیبانی سپاه طارق راه انداخت. . پس از آنکه نیروهای طارق پیاده شدند. (نوذری، ۱۳۸۲: ۲۶۳) چنانچه گفته اند موسی پس از چندین حمله موفقیت آمیز بر دژهای سر راه به پایتخت رسید و طارق را مجبور کرد که همه گنجینه های بدست آمده در کاخ شاهی با ضبط شده از کلیساها

را به او تسلیم کند. موسی بن نصیر فرمان داد تا سکه های به خط لاتینی با شعار اسلامی زدند. مملکت ویزیگوت ها همچون خانه ای مقوایی فرو ریخت و پیشروی به شمال در مقابل مسلمانان باز شد. (هولت: ۱۳۷، ۱۳۸)

به طوری که او توانست به همراه سپاه شکست ناپذیر خود تا مناطق «گوادالجر» و «الکالادو هنارس» به پیش تازد. طارق از رویارویی با سپاه گوت وحشت داشت سپاهی را که بیش از حد انتظار بزرگ و بیش از سپاه طارق بود، مطابق برخی منابع صد هزار سواره داشت طارق در مقابل از موسی بن نصیر تقاضای نیروهای کمکی کرد فرمانده مسلمان به سرور و مافوق خود موسی بن نصیر نوشت که پادشاه اندلس آن قدر نیرو آورده که او را یارای مقاومت نیست. (اخبار مجموعه ص ۷) وی شهر شذونه را با زور گشود از آنجا به قرمونه که دژ عظیمی داشت به همین دلیل موسی به حیل و فریب متوسل شد و گروهی از سربازان یولیان را بر آن داشت تا با موافقت اهالی در روز وارد شهر شوند آنان به مردم شهر خیانت کرده شب هنگام دروازه های شهر را برای مسلمانان گشودند و بدین گونه سپاه موسی بدون جنگ بر قرمونه چیره شد. این دومین پیروزی موسی بود. موسی از آنجا راهی اشبلیه شد. با اهالی این شهر پیکار کرد و بعد از یک ماه شهر را در محاصره گرفت تا آنکه این شهر نیز به دست مسلمانان سقوط کرد.

وقتی موسی بن نصیر از پیروزی طارق خبر یافت، غیرتش تحریک شد و خواست افتخار اندلس نصیب وی شود و از غنائم آن سهمی ببرد، لذا سپاهی فراوان برای تکمیل فتح اندلس فراهم آورد و نامه ای به طارق نوشت که هر کجا هست بماند تا وی برسد. اما طارق پس از مشورت با سران سپاه از اطاعت وی سر پیچید. زیرا وقفه جنگ مسلمانان را به خطر می انداخت و به گنجا فرصت می داد که دست و پای خود را جمع کنند. از این رو فتوحات خود را ادامه داد تا به طلیطله رسید. (آشتیانی، ۱۳۸۹: ۳۲۸) اما به نوشته ابن اثیر اختلاف بین طارق و موسی در هنگامی فتح اندلس و برخورد آنان با یکدیگر از یک سو و ترس خلیفه از دیگر سو و محبوبیت موسی از سوی دیگر باعث شد که خلیفه وی را به دمشق احضار کند. (ابن اثیر، ج ۴: ۴۴۸ و ابن خلدون، ج ۲: ۲۰۲ - ۲۲۲)

ولید از قصه وی خبر یافت فرمان داد که از پیشروی چشم بپوشد و موسی و طارق را به نزد خویش خواند، زیرا نمی خواست که مسلمانان را در خطر بیندازد، به علاوه بیم داشت که اگر موسی فتوحات خود را به پایان برد نفوذش فزونی گردید و هوس استقلال کند. موسی به فرمان خلیفه تا به سوی دمشق حرکت کرد اما پیش از ورود وی ولید بیمار شد، بیماری ای که از آن درگذشت. سلیمان بن عبدالملک که ولیعهد بود از موسی خواست راه دمشق را آهسته بسپرد تا پیش از رسیدن وی ولید مرده باشد، زیرا می خواست غنیمت ها و هدیه ها که همراه موسی بود نصیب وی شود، اما موسی این دستور را نپذیرفت و سلیمان کینه او را در دل گرفت و وقتی به خلافت رسید او را به معرض بازخواست برد.

موسی با غنائم و جواهر بی شمار و سی هزار اسیر را به همراه طارق عازم دمشق شد تا آنچه را آورده به خلیفه تسلیم کند ولید پس از سه روز درگذشت و سلیمان بجای وی نشست اما دارایی موسی و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد. بنا به نوشته یعقوبی طارق از مولای خود نزد سلیمان بدگویی کرد پس سلیمان تمام مال او را گرفت و صد هزار دینار از وی مطالبه کرد موسی گفت هنگامی که روی کار شما آدم اسبی و پوستینی داشتم اکنون هم همان را به من بدهید و خود دانید و بقیه. (یعقوبی، ۱۳۶۵ ج ۲: ۲۵۲ و همدانی، مکتوب، ۱۳۹۲: ۱۲۶۸)

موسی بن نصیر قبل از حرکت، استیلای خود را بر منطقه زیر سلسله کوه های پیرنی میان فرانسه و اسپانیا، تا گالی سیا کامل ساخت. او در اواخر سال ۹۵ هجری / ۷۱۴ میلادی راهی دمشق شد و پسر خود عبدالعزیز را به عنوان فرماندار اندلس برگمارد. آدلپانیا را آرام کرد و با تئودومیر، حاکم منطقه مورسیا پیمان اطاعت و تسلیم به امضا رسانید. وی بعدها با بیوه رودریک ازدواج کرد و در سال ۹۷ هـ/ ۷۱۶ م به دستور خلیفه سلیمان آن هم بعد از دو سال حکومت در سویل به قتل رسید. (هولت، ۱۳۸۳: ۱۳۶۰)

فرمانبرداری عبدالعزیز بن موسی در اندلس:

وقتی موسی می خواست به سوی دمشق حرکت کند پسر خویش عبدالعزیز را به فرمانداری اندلس انتخاب کرد. (آیتی، ۱۳۶۳: ۱۳ و ۱۳) عبدالعزیز امور حکومت را نظم بخشید و انجمنی تشکیل داد تا احکام و قوانین متناسب با وضع مردم را تنظیم کنند. به زراعت و اصلاح راهها توجه نمود، مظلّم گت ها را از میان برد، مالیاتهای سنگین را تخفیف داد و طبقات مردم را با رعایت دین و نژاد مساوات بخشید و مردم را به دین و مال و جان امان داد و عربها را به آمیزش و ازدواج با بومیان ترغیب نمود. خود او نیز با بیوه رودریک که بر دین خویش بود ازدواج نمود. ۱۴

سرنوشت دردناک موسی بن نصیر

موسی بن نصیر بعد از فتح اندلس (اسپانیا) تمام فکرش متوجه «جلیقیه» بود که فرنگی ها آن را «گالیبا» می نامند. مرکز گالیبا شهری بود که عرب آن را «شانت یاقو» می خواندند. در همان اوقات که وی سرگرم لشگرکشی و عزیمت به سوی گالیبا بود مغیث رومی فرستاده خلیفه ولید بن عبدالملک سر رسید و نامه خلیفه را که به او دستور داده بود از اسپانیا خارج شود و از پیشروی باز ایستد به وی داد. موسی بن نصیر از این دستور نابهنگام خلیفه ناراحت شد. زیرا در آن هنگام تنها شهری که هنوز بدست مسلمانان تصرف نشده بود، گالیبا بود که موسی بن نصیر بر آن بود تا به هر نحوی آن را فتح نماید. ناچار با فرستاده خلیفه از در مهربانی درآمد و از وی درخواست مهلت نمود تا گالیبا را اشغال نماید و او هم در پاداش و غنیمت آن شهر سهمیم باشد. مغیث با پیشنهاد موسی موافقت نموده و با موسی بن نصیر به سوی گالیبا شتافتند. وقتی موسی وارد صحرای آنجا شد، دژهای «بارو» و «لک» را گشود، در آنجا اقامت گزید و دسته هایی از سپاه خود را در اطراف پراکنده ساخت تا به «صخره بالای» واقع در ساحل اقیانوس اطلس رسید. اهالی آنجا نیز ناچار به تسلیم شدند و قبول جزیه نمودند و سپاهیان عرب در دشت های آنجا سکونت ورزیدند. بربرها و عربها به هر نقطه که می رسیدند و آنجا را می پسندیدند، توقف می کردند و منزل می گزیدند. بدین

گونه دامنه اسلام در سرزمین اسپانیا وسعت یافت و سراسر قلمرو آن را فرا گرفت. (ابن قوطیه، ۱۳۶۹: ۱۷۹) در همین هنگام فرستاده دیگری از طرف ولید بن عبدالملک سر رسید و موسی را در تأخیر حرکت به سوی دمشق سرزنش نمود. ولید به فرستاده دوم دستور داده بود موسی را ملزم کند که رهسپار دمشق شود. موسی بن نصیر نیز ناگزیر جلیقیه (گالیبا) را ترک نمود و به شهر اشبلیه آمد. در آنجا فرزندش عبدالعزیز بن موسی را به عنوان فرمانروای کل اسپانیا بجای خویش منصوب داشت و خود با طارق بن زیاد در سال ۹۵ هجری با غنایم و جواهر بی حساب و سی هزار اسیر عازم دمشق شد. در عین حال او همچنان مشتاق جهاد و گشودن ممالیک دیگر بود و از اینکه خلیفه او را از تعقیب منظورش بازداشته است سخت متأسف بود. او آرزومند بود که فرصت یابد و بقیه کشورهای اروپا را فتح کند. (ارسلان، ۴۶)

هنگامی که اخبار او به خلیفه ولید بن عبدالملک رسید، از اینکه وی این همه در کشورهای مسیحی پیش رفته و مسلمانان را مقهور نموده، در آن کشورها ساکن گردانیده است به سختی ناراحت شد. از این رو سفیری فرستاد و موسی را توییح کرد و دستور داد که به مرکز خلافت (دمشق) مراجعت کند. در ضمن به سفیر خود سفارش کرده بود چنانچه موسی بن نصیر از آمدن خودداری کرد مسلمانان را از اسپانیا و سایر نقاط اروپا به این سوی دنیای اسلام کوچ دهد. علت خشم سلیمان بن عبدالملک نسبت به موسی بن نصیر این بود که شنید وی با غنایم و اسرای بی شماری وارد مصر شده و اشراف و بزرگان و فقهای مصر را مورد نوازش و اکرام قرار داد. در این زمان خلیفه ولید بن عبدالملک بیمار گردید و در همان اوقات نامه خلیفه به وی رسید که در آمدن به دمشق شتاب کند؛ ولی متعاقب آن از سلیمان عبدالملک برادر خلیفه نامه دیگری برای موسی رسید که در حرکت به سوی پایتخت شتاب نکند. یعقوبی بدگویی طارق بن زیاد را از موسی بن نصیر نزد سلیمان دلیل این خشم می داند. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۵۲)

موسی بن نصیر طبق فرمان خلیفه تعجیل در آمدن نمود و سه روز قبل از فوت خلیفه وارد دمشق شد و غنایم و اسرا و ذخائری را که آورده بودند به وی تسلیم نمود. این عمل باعث خشم سلیمان بن عبدالملک شد و چون ولید در گذشت و سلیمان به جای وی نشست دارایی موسی بن

نصیر و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد و با فجیع ترین وجهی مجازاتش نمود. (ارسلان : ۴۸)

به گفته ابن عذاری مراکشی در «تاریخ المغرب فی اخبار ملوک الاندلس و المغرب» راجع به پایان کار و سرنوشت موسی بن نصیر می نویسد: «ولید بن عبدالملک در سال ۹۶ هجری درگذشت و سلیمان ، برادرش بجای او نشست و سخت بر موسی بن نصیر خشم گرفت تا جایی که فرمان داد او را در یک روز بسیار گرم وسط آفتاب نگاه دارند. موسی بدنی فریه داشت آن قدر او را در آفتاب نگاه داشتند که بیهوش شد و نقش بر زمین گردید . وقتی به هوش آمد سلیمان به وی گفت: من به تو نوشتم در آمدن به دمشق شتاب مکن، ولی تو اعتنا به نامه من نکردی اکنون جریمه ات این است که باید صد هزار دینار تقدیم کنی موسی گفت قربان آنچه با من بود از من گرفتید ، دیگر صد هزار دینار از کجا بیاورم سلیمان گفت حتما باید این مبلغ را تسلیم کنی موسی از خلیفه استدعا کرد او را از پرداختن این مبلغ هنگفت معذور بدارد . ولی سلیمان ناراحت شد و گفت نه نمی شود حال که اصرار می کنی باید سیصد هزار دینار زر سرخ آماده کنی ! سپس دستور داد او را شکنجه دهند و خواست دستور قتلش را صادر کند. ولی او به «یزید بن مهلت» که نزد خلیفه محترم بود پناه برد و سلیمان هم بخاطر «یزید بن مهلت» از قتل او صرف نظر کرد ولی گفت باید آنچه دارد تسلیم کند؛ گویند موسی بن نصیر یک میلیون دینار به خلیفه تسلیم کرد و خود را از مهلکه نجات داد. (مونتگو، ۱۳۵۹: ۱۵) مونتگو این روایات را افسانه می پندارد و معتقد است که وی اسپانیا را در ۷۱۴ ترک کرده است. زیرا در ۷۱۵ به دمشق رسید. (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۷۱: ۲۸۰)

نتیجه

موسی بن نصیر مردی بزرگ بود و خدمتی که وی با فتوحات خود در آفریقا و اروپا نمود از دیگری دیده نشده است. رفتاری هم که سلیمان بن عبدالملک خلیفه اموی با وی نمود، هیچ جنایت کاری ندید. موسی بن نصیر نه تنها از مردان بزرگ اسلام است، بلکه از مردان نامی جهان به شمار می رود. برای درک عظمت وی کافی است که خواننده بداند او بود که بربرها را که سلحشور و

پرصلابت و سخت جان بودند، بعد از شورش ها و اغتشاش های پی در پی سرکوب و آرام نمود و با اینکه دوازده بار از قبول اسلام سر باز زدند سرانجام همگی بدست وی مسلمان شدند و به اسلامیت خود ثابت ماندند و نیز کافی است که خواننده بداند وی در سن هفتاد و پنج سالگی وارد اسپانیا شد و سراسر آن کشور را فتح کرد و امور آن را منظم نمود؛ در حالی که او و سربازان تحت فرماندهی غلام مخصوصش طارق بن زیاد، از سی هزار تجاوز نمی کرد. ۱۵

۲- شکیب ارسلان فتوحات اسلامی شکیب ارسلان فتوحات اسلامی ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات اسلامی، ترجمه علی دوانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۰

منابع

- ۱- نوذری، عزت الله، ۱۳۸۲ اروپا در قرون وسطی، انتشارات نوید شیراز
- ۲- ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۸۶ تاریخ سیاسی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بدرقه جاویدان
- ۳- لودر، دوروتی، ۱۳۴۴ سرزمین و مردم اسپانیا، ترجمه شمس الملوک مصاحب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۴- ابن واضح یعقوبی، ۱۳۷۱ احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۵- نعنعی، عبدالمجید، ۱۳۸۶ دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۶- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات اسلامی، ترجمه علی دوانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۷- مری وات، مونتگو، ۱۳۵۹ اسپانیای اسلامی، ترجمه محمد علی طالقانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۸- اولاگوئه، ایگناسیو، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ترجمه ناصر موفقیان، نشر شباویز
- ۹- طقوش، محمد سهیل، ۱۳۹۱ دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۱۰- پی ام هولت، لمبتون، ۱۳۷۸ تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیر کبیر
- ۱۱- هولت، لمبتون، لوئیس، ۱۳۸۳، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، انتشارات امیر کبیر
- ۱۲- آشتیانی، عباس، ۱۳۸۹ تاریخ اسلام، انتشارات بهزاد
- ۱۳- عزالدین، ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، انتشارات علمی تهران، ج ۷، ۴، ۳، ۲.

۱۴- عبدالرحمان بن محمد، ابن خلدون، ۱۳۶۳عبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۴، انتشارات علمی و فرهنگی

۱۵- ابن عذارى، محمد بن محمد، ۱۴۰۰البيان المغرب فى اخبار المغرب، بيروت دارالثقافه، ج ۳، ۲

۱۶- ابن قوطيه، ابوبكر بن محمد بن عمر، ۱۳۶۹تاريخ فتح اندلس، ترجمه حميدرضا شيخى، مشهد بنياد پژوهش آستان قدس رضوى

۱۷- احمد العدوى، ابراهيم، موسى بن نصير مؤسس المغرب العربى، قاهره، دارالكتاب العربى الطباعه و النشر

۱۸- آيتى، محمد ابراهيم، ۱۳۶۳، اندلس يا تاريخ حكومت مسلمين در اروپا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران

۱۹- بلاذرى، ابوالحسن، ۱۴۰۴، فتوح البلدان، قم نشر الارميه

۲۰- سالم، عبدالعزيز، ۱۹۸۸تاريخ المسلمين و آثارهم فى اندلس، بيروت دارالنهضت العربيه

۲۱- عنان، محمد عبدالله، تاريخ دولت اسلامى در اندلس، ترجمه عبدالحميد آيتى، ج ۱، تهران انتشارات كيهان

۲۲- مقرئى، احمد بن محمد، نفخ الطيب، بيروت، دارالفكر، ج ۱

۲۳- مونس، حسين، سبيده دم اندلس، ترجمه حميدرضا شيخى، مشهد بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى

۲۴- طبرى، محمد بن جرير، ۱۳۶۸، تاريخ طبرى، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاينده، نشر اساطير

۲۵- دينورى ابوحنيفه احمد بن داود، ۱۳۶۴، اخبار الطوال، ترجمه محمدمهدى دامغانى، نشر نى تهران

۲۶- فصل نامه تاريخ نو، ۱۳۹۳، شماره ۸

۲۷- فصل نامه سخن تاریخ، ۱۳۹۳، شماره ۲۰

۲۸- لوبون، گوستاو، ۱۳۷۸، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی انتشارات افراسیاب

۲۹- زیدان، جرجی، ۱۳۶۹، تاریخ تمدن اسلام، انتشارات امیر کبیر، تهران

Musa bin Nozayr's military policies in Africa and Andalusia during the period of Walid bin Abdul Malik

Leila Nariman Fard

Ph.D student of., Mahallat Branch, Islamic Azad University, mahallat , Iran

Leila.naremanfard2014@gmail.com

Amir teymour rafiei

Mahallat Branch, Islamic Azad University, mahallat , Iran

Abstract

The beginning of the formation of Islamic civilization in North Africa and Spain was conquered by the Arab conquerors (during the seventh and eighth seventh centuries), conquering the lands of North Africa and Wales. It is one of the major events in the history of the first century, causing interconnections between Europe, Africa and Asia. During the course of 800 years, the transfer of Islamic culture was used; in the meantime, it should not ignore the role of «Moses bin Nozayr's » and his tributary, and his commander (Tariq bin Zayd), one of the most holy Muslim commanders of the first century AH . However, in the course of these conquests, conditions were put in place that ended the outcome of the conquest in favor of «Moses bin Nozayr's» among other things, the conditions governing Africa and Europe, and the support of the Umayyad caliph of Moses, as well as the material impetus of the Muslim soldiers, should not be ignored. In this article Let us examine the expansion of the borders of Islam on the other side of the waters and the authoritative motivation of Musa bin Nozayr's. To this end, we will look at the process of studying the work of the library in the form of an initial preliminary design, identification, and retrieval of resources and a vector search.

Key words: Moses bin Nozayr's, William bin Abdul Malik, Taraq bin Ziyada. Africa. Andalusia